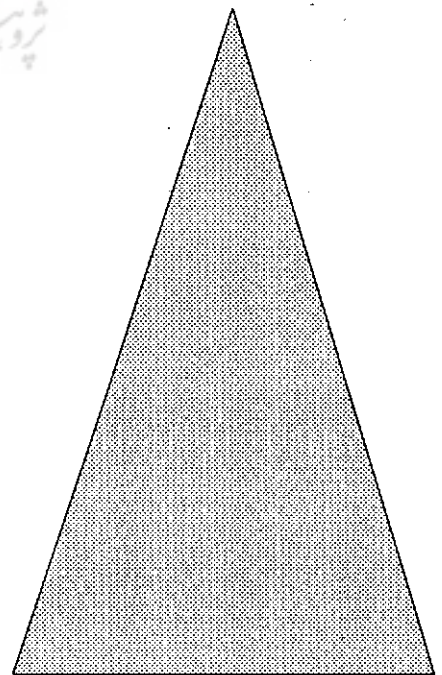


تأثیر حضور

بانک‌های خصوصی

بر

بانک‌های دولتی



بانک‌های دولتی سال‌هاست که به تنهایی بازار پولی کشور را در دست داشته‌اند و شاید یکی از دلایل نارضایتی مشتریان از کیفیت کاری آنان هم نبود رقیب در بازار سرمایه کشور است.

بدون تردید، بانک‌های خصوصی در راستای جذب سرمایه‌های مردمی و ایجاد رقابت در بانکداری می‌توانند نقش اساسی داشته باشند. اولین قدم برای رسیدن به اقتصادی پویا این است که زمینه حضور و مشارکت مردم در جریان‌ات اقتصادی را بیشتر فراهم کنیم و برای رسیدن به این هدف راهکارهایی را در نظر بگیریم که ایجاد بانک خصوصی یکی از این راهکارهاست.

در یک تعریف خاص می‌توان گفت که خصوصی‌سازی عبارت است از مجموعه عملیات حقوقی و اقتصادی برای انتقال دارایی‌ها و فعالیت‌های عمومی به افراد به‌منظور استفاده خصوصی از آنها به‌وسیله یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی.

در کشور ما از سال ۱۳۶۸ و با روی کار آمدن دولت آقای هاشمی رفسنجانی و همزمان با آغاز برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بحث خصوصی‌سازی مطرح شد و در این راستا، سازمان‌های مختلف ایجاد و فعال شدند و در نهایت طبق مصوبه مورخ ۷۰/۲/۴ هیأت‌وزیران، سیاست واگذاری سهام متعلق به سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی براساس اصول ۱۳۴ و ۳۸ قانون اساسی و در اجرای بندهای ۴/۳۷ و ۸/۱ تا ۸/۳ خطمشی‌های برنامه اول توسعه به مرحله اجرا درآمد. از بحث‌های اساسی در این زمینه مسأله خصوصی‌سازی سیستم بانکی کشور است.

خارجی (شاهی، عثمانی، روس و ایران) با موفقیت همراه بوده است، اما تا بعد از جنگ جهانی دوم، بانک‌های خصوصی با سرمایه ایرانی تأسیس نشدند و تحقق این مهم با تأسیس بانک برنامه در سال ۱۳۲۸ آغاز شد.

اولین بانک خصوصی ایرانی با استفاده از مقررات قانون تجارت و به صورت شرکت سهامی با نام «بانک بازرگانی ایران» در سال ۱۳۲۸ تأسیس شد. برچیده‌شدن تدریجی شعب بانک شاهی، از عوامل اساسی در توسعه و ازدیاد بانک‌های خصوصی ایرانی می‌باشد، به‌گونه‌ای که در فاصله زمانی برچیده‌شدن شعب بانک شاهی در ایران و خاورمیانه از مرداد ماه سال ۱۳۳۱ تا پایان همان سال، چهار بانک خصوصی در ایران تأسیس شدند که به ترتیب عبارتند از بانک صادرات و معادن ایران، بانک تهران، بانک بیمه بازرگانان و بانک پارس. از این تعداد، بانک تهران با سرمایه مشترک ایرانی و خارجی تشکیل شد و سرمایه سه بانک دیگر متعلق به سرمایه‌داران ایرانی بود. با ادامه و توسعه فعالیت‌های عمرانی کشور بین سال‌های ۲۹-۱۳۳۴ بانک‌های خصوصی دیگری نیز شامل دو بانک خصوصی با سرمایه ایرانی و هشت بانک خصوصی مختلف با سرمایه مشترک ایرانی و خارجی تأسیس شدند و تعداد بانک‌های کشور در پایان سال ۱۳۴۰ به ۲۸ بانک دولتی، خصوصی و خارجی بالغ شد و در سال ۵۷ از مجموع بانک‌های کشور تعداد ۲۷ بانک خصوصی بوده‌اند.

بدیهی است که با افزایش تعداد بانک‌ها، رقابت بین بانک‌های قدیمی و جدیدالتأسیس افزایش یافت و این امر در توسعه و بهبود خدمات بانکی کشور اثرات فراوانی داشت.

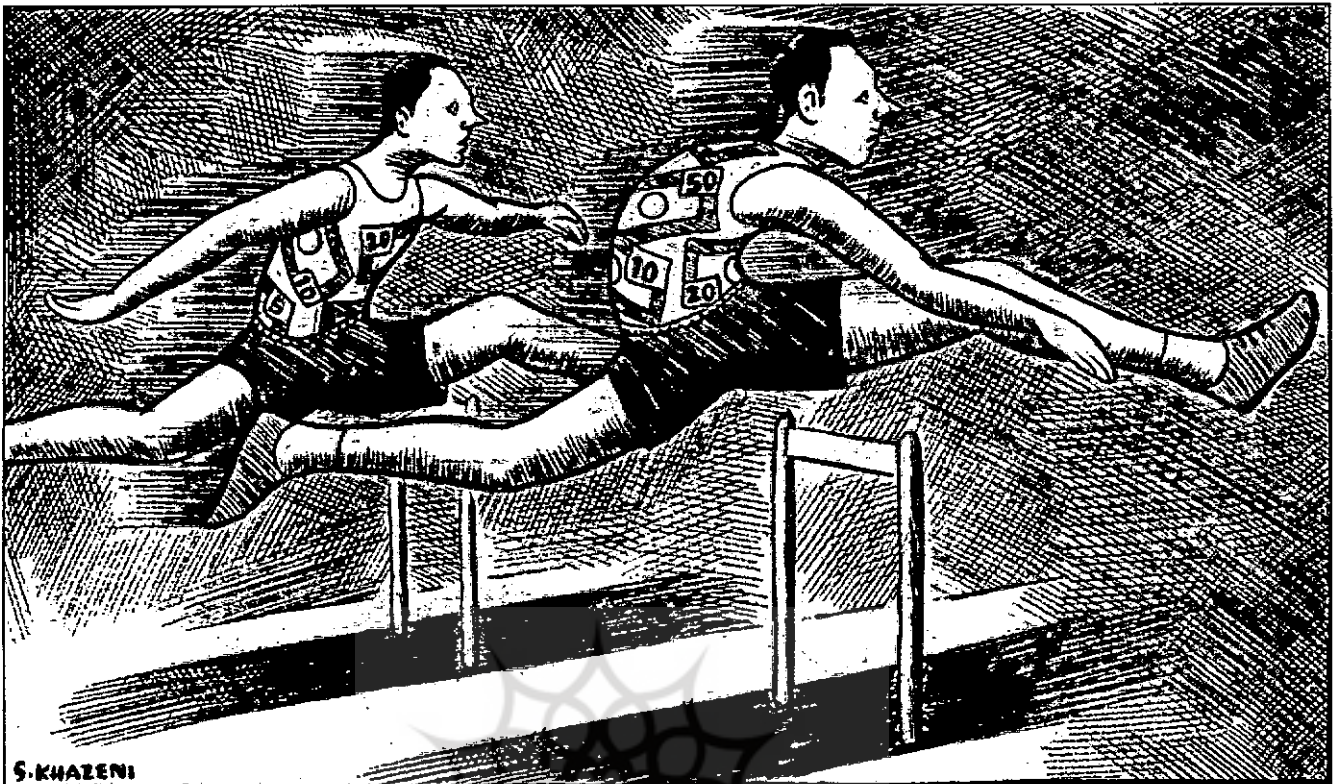
مبانی ایجاد تفکر بانکداری خصوصی در ایران

تجربه سال‌های پس از ملی‌شدن بانک‌های کشور نشان می‌دهد که با وجود تأثیرات غیرقابل انکار نظام بانکی در اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه، این نظام با درگیر شدن در تأمین حجم کلان منابع مالی مورد نیاز دستگاه‌های دولتی، انجام خدمات دولتی، فعالیت در فضایی که سیاست‌های پولی همواره تابع سیاست‌های مالی دولت بوده است و از همه مهمتر، انحصار مطلق بر بازار نوپا و جوان پولی و سرمایه رسمی کشور، در عمل به بانک کارگزار دولت تبدیل شد و از آنجا که طبیعت انحصار موجب عدم رقابت و نهایتاً کاهش کیفیت خدمات خواهد شد، لذا شاهد افت کلی خدمات پولی و مالی از سوی

بانک‌های خصوصی در راستای جذب سرمایه‌های مردمی و ایجاد رقابت‌های بانکداری می‌توانند نقش اساسی داشته باشند.

پیشینه بانکداری خصوصی در ایران

تأسیس بانک‌های خصوصی در ایران با تصویب اولین طرح برنامه عمرانی هفت‌ساله کشور در سال ۱۳۲۷ و براساس ضرورت ایجاد و توسعه مؤسسات اعتباری در سراسر کشور همراه می‌باشد. هرچند که پیش از برنامه عمرانی اول نیز منع قانونی برای تأسیس بانک با سرمایه خصوصی در ایران وجود نداشته و فعالیت‌های بانک‌های ایرانی (ملی و سپه) و



▲ تأسیس بانک‌های خصوصی، باعث ایجاد رقابت و ارتقای کیفیت بانک‌های دولتی می‌شود.

سیستم بانکی بوده‌ایم. از طرف دیگر، در کشورهای همانند کشور ما که شبکه بانکی پیکره اصلی بخش مالی آن را تشکیل می‌دهد و آن را تحت سیطره مطلق خود داشته و بازار سهام و اوراق بهادار نیز توسعه نیافته و جوان و نوپاست، آزادسازی این بخش قاعدتاً از ارکان راهبردی توسعه در بخش مالی بوده و نقش مؤثر و حیاتی آزادسازی این بخش بر روند توسعه اقتصادی غیرقابل انکار است. لذا محورهای اساسی ارتقای کارایی نظام بانکی از طریق ایجاد رقابت با اجازه فعالیت به بخش خصوصی و آزادسازی مالی در بازار پول و سرمایه کشور از عمده‌ترین مبانی ایجاد بانک‌های خصوصی و خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشور بوده است.

طرح‌های پیشنهادی در جهت ایجاد رقابت در نظام بانکی

نخستین شوک در این راستا در شهریورماه سال ۱۳۷۴ و با تصویب لایحه قانونی تأسیس شرکت دولتی پست‌بانک به سیستم بانکی وارد آمد، اما پست بانک نیز به دلیل ماهیت ساختار دولتی خود راه به

جایی نبرد و نتوانست وارد عرصه رقابت جدی با سیستم بانکی شود. در سیاست‌های اتخاذشده بعدی، ایجاد رقابت برای ارتقای کارایی نظام بانکی از طریق جلب مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی در ارائه خدمات بانکی، ایجاد و توسعه و تقویت فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی، تقویت صندوق‌های قرض الحسنه و موارد مشابه آن بوده است که در بخش سیاست‌های کلی قانون برنامه اول و دوم توسعه و طرح ساماندهی اقتصادی دولت با هدف تکمیل و توسعه بازار پول و سرمایه کشور عنوان شده است. اما متأسفانه خطمشی‌های اصولی تعیین‌شده از حد تکرار در قوانین فراتر نرفت و راهکارهای جدید برای ارتقای

ارتقای کارایی نظام بانکی از طریق ایجاد رقابت با اجازه فعالیت به بخش خصوصی و آزادسازی مالی در بازار پول و سرمایه کشور، از عمده‌ترین مبانی ایجاد بانک‌های خصوصی کشور می‌باشند.

واقعی سطح نظام بانکی کشور ارایه و عملی نشد. از طرح‌های پیشنهادی دیگر در این راستا طرح مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «اصلاح ساختار شعب سیستم بانکی کشور» بود که بر محور واگذاری شعب بانک‌ها به کارکنان آنها به عنوان نمایندگان و یا کارگزاران بانک‌ها با حفظ تداوم مباشرت و مالکیت دولت بر بانک‌ها به منظور افزایش سودآوری بانک‌ها و در نهایت، افزایش سطح درآمد‌های دولت از بانک‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی وابسته بوده است.

همچنین، باید از طرح واگذاری ۴۹ درصد از سهام بانک‌های کشور به بخش عمومی در برنامه سوم توسعه نام برد، و سرانجام در سلسله حلقه‌های این زنجیر پیوسته باید به قانون اجازه فعالیت بانک‌های غیردولتی اشاره کرد که پس از جاروجنجال‌های بسیار، بالاخره به تأیید شورای نگهبان رسید.

تمامی این طرح‌ها و قوانین در واقع مقدمات اولیه جهت بسترسازی‌های لازم برای خصوصی‌سازی نظام بانکی کشور طی یک برنامه مدون بلندمدت تلقی می‌شوند.

خبرنگار ماهنامه پیرامون بانک‌های خصوصی کشور و بستر فعالیت آنها گفتگویی را با یکی از کارشناسان بانک صادرات ایران انجام داده است که متن آن را با هم می‌خوانیم:

❖ / شرایط کشور را تا چه حد برای فعالیت بانک‌های خصوصی مساعد می‌دانید؟

□ ایجاد بانک‌های خصوصی و خصوصی‌سازی بانک‌ها در ایران و در شرایط موجود با چهار مانع عمده در سطح کلان مواجه می‌باشد: نخست، موانع قانونی است که اولاً، خصوصی‌سازی در کالبد یک اقتصاد آزاد و بازارهای بی‌دروپیکر، با روح حاکم بر برخی از اصول قانون اساسی که برای دولت در تمام زمینه‌های اقتصادی نقش تنظیم‌کننده را می‌پذیرد، در تضاد قرار دارد و ثانیاً، بر مبنای نص صریح قانون اساسی، دولت نمی‌تواند هر صنعتی از جمله بانکداری را به بخش خصوصی واگذار کند.

دومین مانع همانند سایر بخش‌ها، فقدان فرهنگ‌گرایی عمومی به بورس و خرید سهام است.

خصوصی‌سازی یکی از ابزارهای تحقق مشارکت عمومی در جامعه محسوب می‌شود.

سومین مانع، فرهنگ حاکم بر نظام دولتی است که از یک سو، طالب خصوصی‌کردن مدیریت برخی از بنگاه‌های کلان و عام‌المنفعه خود مانند بانک‌هاست و از سوی دیگر، به دلیل به‌تمام‌نرسیدن برنامه‌های زیربنایی کشور و گرایش به تأمین منافع عمومی، هنوز نمی‌تواند مذاکلات خود را در امور این بنگاه‌ها محدود کند.

و چهارمین مانع، فقدان مقررات‌زدایی در فعالیت‌های بانکداری است که باید پیش از خصوصی‌سازی بانک‌ها صورت پذیرد. همچنین، آنچه

زمینه ایجاد فعالیت بانک‌های خصوصی را محدود می‌سازد، فقدان تبیین جایگاه نظام بانکی کشور در استراتژی زنجیره‌ای اقتصاد کلان کشور است.

❖ / راهبردهای عملی برای گسترش فعالیت بانک‌های خصوصی در کشور کدامند؟

□ اتخاذ راهبردهای عملی برای گسترش فعالیت بانک‌های خصوصی در کشور باید بر پایه دو محور اساسی متمرکز شود: نخست، تبیین جایگاه نظام بانکی کشور در استراتژی زنجیره‌ای اقتصاد کلان کشور و اتخاذ الگو یا الگوهای موفق برای ایجاد بانک‌های خصوصی بر اساس آن است، و دیگری، بسترسازی‌های لازم برای ورود بخش خصوصی در این عرصه است. نخستین و اصلی‌ترین نیاز در این زمینه نیز ایجاد امنیت برای بخش خصوصی و اعتماد متقابل دولت و این بخش فراتر از هرگونه شعارزدگی و پنهان‌کاری و به صورت یک التزام عملی دوطرفه می‌باشد.

آنچه زمینه ایجاد و توسعه و تعمیق این مسأله را تهدید می‌کند و موفقیت آن را با تردید روبرو می‌سازد، همانا فقدان فرهنگ مشارکت عمومی در جامعه است و خصوصی‌سازی خود یکی از ابزارهای تحقق این مشارکت تلقی می‌شود. مدل‌زدگی و کپی‌برداری در این زمینه نیز توفیقی را به‌دست نخواهد داد، زیرا وقتی کره جنوبی، ژاپن و آلمان پس از جنگ و دیگر کشورها را مطرح می‌سازیم، باید توجه داشته باشیم که نه بخش عمومی و نه بخش خصوصی در ایران، شبیه این کشورها نبوده و نیستند.

❖ / تأسیس بانک‌های خصوصی تا چه اندازه در پویا کردن بانک‌های دولتی مؤثر است؟

□ ایجاد زمینه‌های رقابت از طریق ایجاد و گسترش فعالیت بانک‌های خصوصی در عرصه بازار پول و سرمایه رسمی کشور زمانی به پویایی و ارتقای کارایی نظام بانکی کشور منجر خواهد شد که

بانک‌های دولتی نیز به موازات ایجاد و فعالیت بانک‌های خصوصی از شرایط رقابتی یکسانی برخوردار باشند، لذا تا زمانی که اصول حاکم بر عملکرد بانک‌های دولتی حداقل به سوی آزادسازی در مقررات و خصوصی‌سازی در مدیریت تعدیل نیابد، ادامه وضعیت موجود به نقاط بحرانی تری منجر خواهد شد، زیرا اصولاً بحث رقابت هنگامی قابل طرح خواهد بود که تعدادی افراد و مؤسسات در جریان فعالیت و تلاش خود با مقوله منافع مشترک و یا تضاد منافع مواجه شوند. تنها در چنین شرایطی است که مؤسسات رقیب علاوه بر فعالیت‌های جاری، با دغدغه و مشکل جدیدی به نام رقبا و رقابت روبرو شده و همواره نگران میزان سهم بازار خود بوده و در جهت حفظ آن اقدامات مؤثری را به‌عمل خواهند آورد. لذا صرف ایجاد بانک‌های خصوصی تا زمانی که علت اصلی فقدان انگیزه رقابت در بانک‌های دولتی که بیشتر ناشی از ساختار دولتی حاکم بر آنها، به‌ویژه در بخش مدیریت و نیروی انسانی است، مورد توجه قرار نگیرد، پویایی بانک‌ها را موجب نخواهد شد.

برای ایجاد پویایی و تحرک در بانک‌های دولتی هم باید به موازات ایجاد بانک‌های خصوصی در عرصه رقابت، روش‌های اجرایی خاصی را از قبل و یا حداقل هم‌زمان با ورود در این عرصه در‌مناظر قرار داد که واگذاری بخشی از سهام بانک‌ها به کارکنان، سهام‌شدن کارکنان در سود بانک‌ها، جایگزینی تفکر و بینش مدیریت بخش خصوصی در مدیران بانک‌ها، آزادسازی بانک‌ها در جذب منابع و اعطای تسهیلات، تجدیدنظر اساسی در ساختار سازمانی بانک‌های دولتی، اصلاح ساختار سرمایه‌ای بانک‌ها، اعطای اختیار کامل به مدیران بانک‌های دولتی همچون بخش خصوصی در استفاده از ابزارهای تشویقی و تنبیهی و... از جمله اهم موارد آن می‌باشد. ■

تهیه و تنظیم از کتابون محرابیان

برای پیام‌های تبلیغاتی خود از امکانات ما بهره بگیرید.